

بسیاری از مسئولان دغدغه آلودگی هوار اندارد

رئیس کمیسیون سلامت شورای شهر تهران در یکمده و نود و دومین جلسه شورای شهر، گفت: من هرساله پیش از آغاز آلودگی هوا تذکرات خود را مطرح می کنم. بسیاری از مسئولان دغدغه‌ای که باید در خصوص آلودگی هوا داشته باشند، ندارند. رئیس شورای شهر در این زمینه دغدغه داشت و سیاست‌گذاری خود را بر این موضوع گذاشت و شهردار تهران نیز مسئله را پیگیری کرد و نتایج اولیه خوبی داشت. مهدی پیرهادی با بیان اینکه چند سال است قرار است که طرح کهاب اجرایی شود، خاطر نشان کرد: سوال من این است که آیا وزارت نفت پول اجرای این طرح را ندارد؟ مگر سلامت مردم شوخی است؟ چرا قوه قضائیه موضوع را پیگیری نمی کند؟ چرا باید این میزان راحت از جان مردم بگذریم؟ رئیس کمیسیون سلامت شورای شهر تهران تأکید کرد: ذرات آلاینده کمتر از ۲.۵ میکرون دلیل آلاینده‌گی است که ناشی از تردد وسایل نقلیه سنگین و فرسوده در شهر تهران است. وقتی خودروهای فرسوده از شهر تهران خارج نمی‌شوند حتماً آلودگی هوا پایر جا خواهد ماند.از سویی دیگر تا وقتی تردد خودروهای فاقد معاینه فنی و عدم استفاده از فیلترهای جانب دوده را شاهد هستیم، این آلودگی ادامه خواهد داشت. پیرهادی با طرح این پرسش که وضعیت صنایع و کارخانجات سیمان امروز چگونه است؟ گفت: آیا وزارت صمت به وظایف خود عمل کرده است؟ ما از سازمان اسناددار انتظار داریم که روشی را اتخاذ کندو سطح مجاز آلاینده‌گی را تعیین تکلیف کند. از شهردار تهران نیز می‌خواهم موضوع را در هیات دولت پیگیری کند. این عضو شورای شهر تهران با بیان اینکه برخی می‌گویند چرا این موضوع را مطرح می کنید که چرا امیدوار نیستید؟ افزود: شورا و شهرداری وظایف خود را انجام داده‌اند اما مسئول وزارتخانه‌ها و دیگر نهادها نیستند. وزارتخانه‌هایز با وظایف خود را انجام دهند.

حداقل ۳۰هزار کلاس را باید ایمن سازی کنیم

چند روز پیش، مجید عبداللهی، معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی مدارس کشور از فرسوده بودن ۲۰درصد مدارس ایران خبر داده بود و گفته بود که بین مدارس «خطر آفرین» و فرسوده تفکیک وجود دارد. عبداللهی تأکید کرده بود که در مدارس «خطر آفرین» اجازه تحصیل داده نمی‌شود و در اصفهان ۱۴ مدرسه ناشی از فرورنشست داشتیم که امسال اجازه ندادیم دانش آموزان در این مدارس تحصیل کنند. همچنین رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس ایران نیز چندی پیش گفته بود ۳۰درصد از ۱۰۴ هزار کلاس درس ایران نیاز به تخریب، بازسازی، نوسازی و یا مقاوم‌سازی دارند. حال علی فرهادی، سنجگوی وزارت آموزش و پرورش در خصوص آخرین برنامه و عملکرد آموزش و پرورش اینگونه به خبرنگار کتا گفته: سالانه حداقل ۲۰ تا ۳۰ هزار کلاس درس باید ایمن سازی یا ترمیم یا نوسازی شوند. این امر نیازمند بودجه لازم و یاری خبری‌ان است.

سالمندان نه پول در مان دارند نه پرستار!

انفجار جمعیت سالمند در کشور در چند سال آینده، زنگ خطر کمبود پرستار برای نگهداری سالمندان را به صدا در می آورد. زنگ خطری که دبیر کل خانه پرستار نیز نسبت به آن هشدار داد. محمد شریفی مقدم، دبیر کل خانه پرستار در رکتا گفت: علی‌رغم اینکه جمعیت سالمندی در ایران در حال افزایش است و نیاز به مراقبت آنها بیش از پیش احساس می‌شود، دولت هیچ توجهی به این حوزه ندارد. این در حالی است که هزینه‌های سالمندان بالاست و تعداد کسانی که در بخش خصوصی خدمات ارائه می کنند کم و گران است. شریفی مقدم تأکید کرد: در مراکز دولتی، پرستارانی که تحصیلاتشان در سطح مراقبت از سالمند باشند وجود ندارد. این پرستاران کم و بیش در بخش خصوصی فعالیت می کنند. او تأکید کرد: در کشور ما، معضل اصلی این نیست که کمبود پرستار داریم، چراکه سالانه بیش از ۱۰ هزار نفر پرستار از دانشگاه‌ها فارغ التحصیل می‌شوند؛ ولی امکان جذبشان وجود ندارد. این در حالی است که سالانه حدود سه هزار پرستار از کشور خارج می‌شوند. شریفی مقدم در ادامه با تأکید بر اینکه با افزایش رشد سالمندی در کشور، به‌سرای سالمندان نیز به‌شدت نیاز پیدا خواهیم کرد گفت: همین الان هم در کشور، سرای سالمندان، آن هم از نوع دولتی کم داریم چه برسد به زمانی که با انفجار جمعیت سالمند در کشور روبه‌رو شویم.

ثبت ۱۲۳۳۷ مرگ غیر طبیعی

در ایران

مرکز آمار ایران در آخرین داده‌ها و اطلاعات خود در بهار ۱۴۰۲ تعداد مرگ و میرهای غیر طبیعی را منتشر کرده که طبق این آمارها در سه ماهه نخست سال جاری ۱۲ هزار و ۳۳۷ مورد مرگ غیر طبیعی در کشور به ثبت رسیده است. داده‌های آماری مرکز آمار ایران نشانگر این است که این میزان مرگ و میر غیرطبیعی دلائل مختلفی دارد که مهم ترین آنها ناشی از حوادث رانندگی و ترافیکی، استفاده از سلاح سرد، غرق شدگی، سوختگی، برق گرفتگی، سقوط از بلندی، قوت‌ربلی و قطار، مصممیت و سوء مصرف مواد مخدر است.

چهارشنبه

۲۴ • ۰۸ • ۱۴۰۲

۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۵ / ۱۵ نوامبر ۲۰۲۳

سال پنجم

شماره ۱۶۹۵

armanmeli.ir



گفته بودیم که جان این دانش آموزان در خطر است، شما گوش نکر دید!

وقتی که سوخت‌پرها سرویسی می‌شوند!

آرامان ملی – آساره کیانی: دامه واکنش‌ها به اظهارات کارشناس زنی که مملکت را متعلق به حزب‌اللهی دانسته بود، اخبار جنگ و در گوشه‌ای دیگر، بدون روسری یا با روسری رفتن چند نفر از مسیر زندان به بیمارستان و از بیمارستان به زندان، حجم اخبار همه رسانه‌های داخلی و خارجی را پر کرد و دیگر مجالی باقی نگذاشت تا مردم بفهمند در سیستان و بلوچستان، یک ماشین سوخت‌بر (وانت‌های در حالیکه تعدادی دانش‌آموز را جاده‌های یابایمن) واژگون شد در حالیکه تعدادی دانش‌آموز را هم، با خود داشته تا آن‌ها را از روستای باتک در شهرستان سرباز (که مدرسه دارد) به روستای محل زندگی‌شان برساند. نه اینکه این دانش‌آموزان پسر – که جملگی مصدوم و در بیمارستانی در ایرانشهر بستری شدند و سطح هوشیاری یکی‌شان پایین رفت و هنوز هیچ خبری نرسیده که بالا آمده یا خیر– از سر کنجکای دست به این کار خطرناک زده باشند چون همان‌طور که می‌دانید شغل سوخت‌کشی که بلوچ‌ها از سربکاری و ناچاری، یا بر پدال و ترمزهای خشک و تیز آن در جاده خاکی‌های بی‌آب و علفش گذاشته‌اند، هر لحظه ممکن است جان خودشان را هم ببستند. این دانش‌آموزان، سرویس مدرسه و بیشتر از آن در روستای خودشان مدرسه‌ای برای ادامه تحصیل ندارند. برای همین، دو گزینه بیشتر پیش رویشان نمی‌ماند؛ یا کیلومترها پای پیاده به مدرسه بروند یا کنار جاده بایستند و اگر سوخت‌کشی، گذری عبور کرد دست‌ها را در آسمان تکان بدهند و با لباس‌های سفید بلوچی دنبالش‌ان بپند و بعد روی سوخت‌ها جایی برای خود پیدا کنند و مراقب باشند تا رسیدن به مقصد زیر پایشان خالی نشود. می‌گوییم موقع فیلم گرفتن مراقب باشند و اصلاً لزومی ندارد وقتی که سوار سوخت‌ها هستند تصویری تهیه و ارسال کنند اما گویا خودشان اصرار دارند رنجشان را، ثبت کنند و گویا فقط و فقط قرار است ثبت شود. بی‌هیچ اثر گذاری یا دقت نظر و توجهی برای بهبود اوضاع و رفع دشواری‌های داغ و سوزان یا سرد و درده فرزندنان این آب و خاک که برای رسیدن به یک حق ابتدایی خود، برای درس خواندن! بی‌آنکه شیر را بکنان، رپووش مدرسه‌ای یا چیز دیگری بخواهند، بار وانتشان می‌کنند.

◀ **مدرسه؛ سایه دیواری ریخته است بر زیراندازی**

نیم‌دار

سال گذشته، مرداد ماه، نگارنده این مرقومه، تماسی با کودکان مدرسه‌ای در یکی از روستاهای منطقه دشتیاری بلوچستان داشت. دیگر صدایشان کود کانه نبود. بچه‌ها بزرگ شده بودند و قرار نبود با آن چهره‌های مهربان، لبخندهای پر لب و دندان‌های درشت سفید پشت نیمکت‌های چوبی مدرسه‌ای که اهالی با کمک سرباز معلم‌های همان منطقه سرهم کرده بودند و تازه کلی کم و کاست هم داشت، بنشینند. باید به دبیرستان می‌رفتند و در فصل جدیدی از زندگی‌شان قدم در راهی می‌گذاشتند که مدام از قبول آن فرار کرده بودند. روستاهای منطقه دبیرستان ندارند و دانش‌آموزان اعم از دختر و پسر تنها می‌توانند تا پایان مقطع ابتدایی خود را در مدارس بی‌خوانند که اگر شانس بیاورند یک چهار دیواری باشد و اگر نه کانتنسی گرم و خفه ارسالی از سوی خبرین انسان‌دوست یا نه؛ زیر سایه دیواری نیمه ریخته یا تک درختی خشکیده وسط بیابان، دو زلیولی نیم‌دار در دو گوشه یک فاصله چند متری پهن کنند و کلاس اولی و دومی‌ها را در همین زیرانداز و بغیره روی آن دیگری بر خاک نرم و سبکی بنشینند که هر لحظه بادی شدید توی چشم‌هایشان فرو می‌کند و آن‌ها باز هم بختندند و بخواهند که خواندن را ادامه بدهند.

◀ **آغاز غم بزرگ**

دانش آموزان بلوچ که شواهد زیادی حاکی از ضریب هوشی بالای آنهاست و در یادگیری چند زبان به‌رغم همه موانع، توانمند هستند، برای ادامه تحصیل می‌باید بخش یا منطقه‌ای بزرگ‌تر و طبیعتاً بی‌آب و علف‌تر از روستای بی‌آب و علف خود بیایند که جایی تحت عنوان دبیرستان در آنجا تعبیه شده است. غم بزرگ برای یک دانش‌آموز به خصوص اگر دختر باشد از همین جا آغاز می‌شود به این دلیل که برای دانش‌آموزان این منطقه از جغرافیای ایران چیزی تحت عنوان سرویس مدرسه در نظر گرفته نشده و وسیع مالی روستاییانی که در خیلی از اوقات، تنها ممر در آمدشان یارانه است، به استفاده از وسیله دیگری برای



«**صحبت‌های روسا، روابط عمومی و سرپرستان آموزش و پرورش بلوچستان می‌گویند که خودروی واژگون شده حامل دانش‌آموزان، سوخت‌بر نبوده و منطقه، سرویس‌های مدرسه‌اش تکمیل است و هیچ مشکلی از این بابت ندار با تصاویر و فیلم‌هایی که دانش‌آموزان از وضعیت چمباتمه زده خود روی خودروهای سوخت‌بر می‌فرستند اما چیز دیگری می‌گویند.**

آقای الف. پ.! رئیس سابق آموزش و پرورش سنگان – سال گذشته مرادامه را به یاد دار ید که گزارش وضعیت مصیبت‌بار دانش‌آموزان همراه با تصاویر و فیلم‌های آن‌ها شمار ا شایید برای بار نخست بالای سر بچه‌ها کشاند تا به آن‌ها بگویند این فیلم‌ها و عکس‌هایی که می‌فرستید فایده‌ای برای شما ندارد؟»

رسیدن به مدرسه قد نمی‌دهد. برای همین با باید پای پیاده به مدرسه بروند که تصورش بسیار دشوار است – اما بچه‌ها این کار را کرده‌اند– و یا همان‌طور که گفته شد از ماشین‌های سوختکش بخواهند که آن‌ها را به مدرسه برسانند.

◀ **روزی ۴۰ کیلومتر پیاده تا رسیدن به مدرسه**

دخترها ما، نه می‌توانند پای پیاده راه بیفتند در جاده‌های خلوت(که علاوه بر توان جسمانی، فرهنگ ما این اجازه را نمی‌دهد) نه اینکه با ماشین‌های سوخت‌بر بروند برای همین مجبور می‌شوند در خانه بنشینند، آینه بکارند روی پارچه‌های رنگی بلوچی و ناگه کنند رؤیاهایشان چطور خاک می‌خورد. چرا؛ یک عده قلبیلی که به گفته یاقی بچه‌ها، وضع مالی خوبی دارند، توسط پدرهایشان به مدرسه برده و آورده یا برای ادامه تحصیل به چاپهار فرستاده می‌شوند. توصیف شکاف طبقاتی که در بلوچستان به وضوح دیده می‌شود؛ «کاخ‌ها کنار کپرها» و البته اندک شمار بودن متمولان در این مقال نمی‌گنجد و شاید زمینه گزارشش دیگر با همین نام شود. منطقه مورد بحث در گزارش سال گذشته از وضعیت مدرسه رفتن دانش‌آموزان، ۱۵ روستا را شامل می‌شد که پسران همه این روستاها برای ادامه تحصیل به سنگان در شهرستان خاش می‌رفتند و البته همچنان می‌روند. می‌گویند این نزدیک‌ترین جایی است که دبیرستان پسرانه دارد. آنها روزانه چیزی حدود ۲۶ کیلومتر پیاده‌روی می‌کنند و البته ۱۴ کیلومتر دیگر را هم برای آنهایی که کنار جاده ترانزیتی مرز نیستند اضافه کنید تا به جاده اصلی برسند.

◀ **خطر رفتن به مدرسه به شغل سوخت‌بری تنه می‌زند** و حالا که به جاده اصلی می‌رسید، به جان خریدن مخاطرات مدرسه رفتن به مخاطرات کار کردن در شغل سوخت‌بری تنه می‌زند. نه که فقط حالا، سال‌هاست این اتفاق رخ می‌دهد اما این جایی است که دبیرستان پسرانه دارد. آنها روزانه چیزی حدود ۲۶ کیلومتر پیاده‌روی می‌کنند و البته ۱۴ کیلومتر دیگر را هم برای آنهایی که کنار جاده ترانزیتی مرز نیستند اضافه کنید تا به جاده اصلی برسند.

◀ **دست سوختکش‌ها درد نکند لاقال آن‌ها به فکر بچه‌ها هستند!**

دانش آموزان در حالی که باد پیراهن‌های بلوچی‌شان را تکان می‌دهد و کتاب‌های درسی‌شان را دست گرفته و صندل به پا

کرده‌اند دنبال ماشین‌های سوخت‌بر می‌دوند و کتاب‌های درسی در آسمان ورق می‌خورند. سوخت‌بر می‌ایستد. یکی از بچه‌ها که حالا دیگر دبیرستانش تمام شده، می‌گفت دست این عزیزان درد نکند، منظورش همین سوختکش‌ها هستند به قول خودش؛ حداقل این‌ها برای دانش‌آموزان می‌ایستند و آن‌ها را به مدرسه می‌برند؛ «آنها به این دلیل که خود از تحصیل بازمانده‌اند دلشان برای ما می‌سوزد و می‌گویند دوست ندارند که ما هم به سرنوشت خودشان دچار شویم.»

بچه‌ها سوار می‌شوند و حالا وقت آن رسیده که تصویری از خود در حالیکه هنوز لیخن‌دی مردانه‌تر از دوران ابتدایی‌شان به لب دارند از وضعیت دراماتیک موجود، ثبت کنند تاضمیمه گزارشش شود با این عنوان که «جان دانش‌آموزان منطقه دشتیاری بلوچستان در خطر است» نه اینکه جان بچه‌های مناطق دیگر در خطر نباشد کما اینکه اتفاق واژگونی ماشین سوخت کش حامل دانش‌آموزان در سرباز، رخ داد. دلیل نام بردن از منطقه دشتیاری وجود مستندات و تصاویری از دانش‌آموزان آن منطقه بود و اینکه نویسنده گزارش حتی اگر اتفاق رخ داده باشد، با نبود مستندات از جانب ذی‌ربطان، مواخذه می‌شود و این به دلیل دقت نظری است که در محتوای رسانه‌ها وجود دارد و ای کاش کمی هم از این دقت نظر در موارد دیگر مثل هزینه بودجه سرویس مدارس بلوچستان به خرج داده می‌شد.

◀ **در جست‌وجوی بودجه سرویس مدارس**

اما هدف از نشر گزارش وضعیت مدرسه رفتن دانش‌آموزان بلوچ چه بوده؟ اینکه مسئولان بیشتر توجه کنند اما در اتفاقی (البته نه عجیب)، مسئولان به جای رسیدگی به وضعیت مربوطه شروع به توییح آنها به دلیل انتشار فیلم و تصاویر، کردند. شخصی به نام الف. پ، رئیس سابق آموزش و پرورش سنگان، به مدرسه دانش‌آموزان رفته و به گونه‌ای با آن‌ها بر خورد می‌کند که دانش‌آموزان، دیگر تصاویری چنین از مدرسه رفتن خود را مخابره نکنند. با آموزش و پرورش پایتخت تماس می‌گیرید، موضوع مطرح می‌شود و کارشناسان می‌گویند که بودجه برای سرویس مدارس در نظر گرفته و تحویل داده شده است، چند روزی هم پیگیر ماجرا می‌شوند و بعد مطابق معمول همه روزه‌ها به پیگیر می‌روند و به گفته یاقی بچه‌ها، وضع مالی خوبی سپرده می‌شود.

اما مگر شما می‌توانید این پرسش را فراموش کنید و خصوصاً در روزهای اخیر و بعد از رخداد آسیب دیدن دانش‌آموزان مدام آن را با خود تکرار نکنید که «بودجه سرویس مدرسه دانش‌آموزان بلوچ داده شده!»

◀ **تأثیر این گزارش‌ها چیست؟**

هدف از توشن گزارش و بیان کردن مشکلات و آسیب‌ها چیست؟ آیا مراد، تأثیر گذاشتن بر یک روال غلط نباید باشد؟ قطعاً سرمایه‌گذاری بر این هدف، اشتباه بوده چرا که اتفاق روزهای گذشته و حتی بی‌خبری از وضعیت دانش‌آموزان آسیب دیده و توجیه مدیران آموزش و پرورش با این عنوان که سوخت‌بر نبود و سرویس داریم، آفتاب است دلیل آفتاب و آسیبی که یک آسیب دیگر می‌زاید؛ خبر نگاران پیش از آنکه اخلاق حرفه‌ای کار خود و اصولافنون و روش‌های این شغل را بیاموزند، مترصد فرصتند تا سوزه‌هایی را دستمایه دیده شدن خود کنند و در واقع تمام همشان این باشد که پیش از اینکه سوزه مورد نظر و آسیب‌هایی که مردمان گرفتار در سوزه دیده‌اند، مورد توجه قرار گیرد، خودشان دیده شوند و هر چه وسعت این دیده شدن فراتر از مرزهای شهر و کشور، و بهتر و انبطور می‌شود که به جای اینکه از کودکان بلوچی که هر لحظه از زندگی‌شان، مبارزهای عظیم برای زنده ماندن است، قهرمان‌هایی در آینده ساخته شود، خود یک شبه قهرمان می‌شوند و این لوکوموتیوی که قرار بود پیشرفت کند، کلا از ریل خارج می‌شود.

مشکلات مردم، دیگر ارزش خبری ندارد

بله! ما همیشه خبرها را کم کرده‌ایم؛ مساله ما در اینجا صرفاً واژگونی یک اتومبیل سوخت‌بر حامل دانش‌آموزان نیست؛ چرا که سوانح و حوادث و انفجار‌ها برای این سوختکش‌ها به وفور رخ داده و می‌دهند (آمار نشان می‌دهد که سال ۱۴۰۱، اتومبیل ۱۷۰ سوخت‌بر متفجر و ۱۶۸ نفرشان کشته شده‌اند)؛ چنین اتفاقی‌هایی بدل به روزمره زندگی مردم شده و دیگر جنبه خبری خود را از دست داده‌اند؛ بزرگی از اهالی کوچ کرده روزنامه‌نگاری می‌گفت «اگر سگی پای انسانی را گاز بگیرد، آن وقت جنبه خبری پیدای می‌کند.» بنابراین فقر و خشکسالی و بیکاری و بی‌مدرسه‌گی و بی‌آبی و بیکاری و همین انفجار سوخت‌پرها که دیگر به روال عادی زندگی روزمره مابدل شده‌اند، مثل گاز گرفتن پای انسان توسط سگ‌اند و متأسفانه از حیطه خبر بودن و ارزش خبری داشتن خارج شده‌اند.

◀ **خبر، بی‌خبری مسئولان است**

خبر، بی‌خبری، بی‌واکنشی، مسئولان نسبت به مسائل بلوچستان و خصوصاً وضعیت آموزش مدارس آن‌هاست و خبر، خشن شدن شهروندان و البته خبر نگاران و اهالی رسانه است که می‌توانند در راستای بهبود اوضاع با رعایت همه خطوط قرمز بنویسند بی‌آنکه نام خودشان را در بوق کنند؛ چنین گام‌هایی بی‌شک اثربخش‌تر از گزارش‌های جوگیرانه‌ای ست که تهش چیزی بر داشته‌های خوانندگان نمی‌افزاید.

آرامان ملی

اجتماعی

استان‌ها

آبادان ۱۰ میلی متر بارندگی

در سیلاب گرفتار می‌شود

فیلمی درفضای مجازی آبادان در اوایل پاییز انتشار داده شده که در آن مشاهده می‌شود فردی که به نظر می‌رسد کارشناس اداره ایفا است عنوان می‌کند تمامی منهول‌های فاضلاب در فاز ۳امیرآباد توسط شهرداری آبادان زیر آسفالت مدفون شده است. این فرد در ادامه گزارشش می‌گوید باشرایط پیش آمده و مدفون شدن منهول‌ها برای باز کردن مسیر فاضلاب به صورت آزمون و خطا و تخریب آسفلات توانستیم تا درپچه فاضلاب را پیدا کنیم. او در ادامه اظهار داشت: باتوجه به اینکه هیچ مسیری برای دفع آب روان یا آبهای سطحی و آب فاضلاب در این منطقه وجود ندارد اگر تنها ۱۰ میلی متر باران در آبادان بیارد مردم این منطقه در سیلاب گرفتار می‌شوند. گفتنی است در حال حاضر یک پیمانکار غیر بومی با نیروهای بومی و درون منطقه در حال لایروبی فاضلاب‌های شهری درسطح شهرستان آبادان است. لازم به ذکر است در روزهای گذشته بارها با مسئولین امر جهت مصاحبه در این خصوص تماس برقرار کردیم اما تاکنون حاضر به مصاحبه نشدند.

از کشاورزان یزد حمایت کنید!

استان یزد در عرصه کشاورزی دارای ظرفیت‌های فراوانی است که سالانه ۷۰درصد تولید روناس، ۶۵درصد پسته، ۳۰درصد انار، ۲۵درصد زعفران، ۶۰درصد محصولات سبزی و صیفی گلخانه‌ای و ۷۰درصد گل‌های تولیدی استان یزد به خارج صادر می‌شود. خیار، گوجه و فلفل دلمه‌ای از مهم‌ترین محصولات کشاورزی استان یزد هستند که سهم گلخانه‌ها در تولید این محصولات پررنگ است به طوری‌که صیفی جات گلخانه‌ای در صدر ارقام صادراتی حوزه کشاورزی هستند. به گزارش ایلنا از یزد، با تخصیص اعتبارات و تسهیلات مورد نیاز به بخش کشاورزی می‌توان امیدوار بود که زمینه توسعه کشاورزی نوین در استان یزد فراهم شود و کشاورزان یزدی بتوانند چالش‌های خود را رفع کنند. مصرف سموم، تسهیلات بانکی و بخشنامه‌های دولتی چالش حوزه صادرات هستند. کشاورزان استان یزد معتقدند با تولید و صادرات محصولات باکیفیت، می‌توان بازارهای جهانی محصولات کشاورزی را حفظ کرد و حتی این بازارها را توسعه داد. از طرفی سال‌ها است که گلخانه داران برای دریافت تسهیلات مورد نیاز برای احداث گلخانه تلاش می‌کنند ولی به نتیجه مطلوب نرسیده‌اند. حسین پهلوان پور، رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی یزد با بیان اینکه صادرات محصولات گلخانه‌ای ایران به روسیه به شدت دچار چالش شده و باید راهکاری برای این موضوع اندیشیده شود، گفته: موضوع باقیمانده سموم و کود شیمیایی در محصولات کشاورزی دهه‌هاست به عنوان معضل جدی مرتبط با موضوع امنیت غذایی مطرح است و متأسفانه در بررسی‌هایی که انجام شده، گلخانه داران خیارسبز محصولات خود را به واسطه وجود سموم نمی‌توانند به روسیه صادر کنند و تولیدات، روانه دامداری می‌شود.

قزوین در حال تبدیل شدن به بیابان است

نشست هم‌اندیشی ستاد احیا و پایدارسازی دشت قزوین برگزار شد. در این نشست، علی رحمانی، معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار قزوین گفت: حوزه‌های آبریز استان قزوین نسبت به گیلان و زنجان در پایین‌دست قرار دارد. معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار قزوین عنوان کرد: با توجه به اینکه بودجه قزوین نسبت به بودجه‌های ملی مقدار بالایی نیست، برای جلوگیری از بیابانی‌شدن استان به فرهنگ‌سازی نیاز جدی داریم.

او ادامه داد: لازم است با اقداماتی مانند کشت گیاهان دارویی به تثبیت خاک کمک کرده و روند بیابانی شدن را کاهش داد. این مسئول بیان کرد: برای اجرای طرح‌های آبخیزداری می‌توان از کشاورزی قراردادی استفاده کرد. درنظر گرفت و در صورتی تدوین طرح‌های اقتصادی در این حوزه، می‌توان از فرصت جذب سرمایه‌گذار استفاده کرد. رحمانی گفت: در حال حاضر برای ۳۰۰هزار هکتار طرح آبخیزداری، تفاهم‌نامه امضا شده، اما روند اجرای طرح‌های این حوزه باید با سرعت بیشتری اجرا شود، در این رابطه به همکاری بخش خصوصی نیاز داریم.

روی خط آرامان ملی

۸۸۱۰۵۰۰۲

جریمه موتور سیکلت‌ها

باید جلوی موتورسواری که خلاف می‌کنند و پایداره عبور می‌کنند گرفته شود. در حال حاضر پلاک‌های موتورسیکلت‌ها خیلی کوچک است و برای جریمه نوشتن به سختی می‌توانند پلاک را رویت کنند اگر پلاک موتورسیکلت بزرگ‌تر شود برای نوشتن جریمه و خلاف‌کردن موتورسیکلت‌ها اهمیت بیشتری دارد. در حال حاضر هم که بعد از بیماری کرونا موتورسوارها پلاک‌های خودشان را با ماسک پوشش داده‌اند و ماموران راهنمایی و رانندگی هم ترتیب اثر نمی‌دهند.

اکبری از تهران

جوابیه مترو

پیرو درج مطلبی در تاریخ ۱۴۰۲/۸/۱۴ تحت عنوان «پیشنهاد» به اطلاع می‌رساند: برنامه‌ریزی فاصله حرکت قطارهای خطوط مترو در ساعات مختلف براساس حجم مسافران ورودی موردنیاز می‌پذیرد که البته باید محدودیت‌های عملیاتی جهت پاسخ به تقاضای مسافر در کلیه ساعات به ویژه زمان‌های پیک نیز مدنظر قرار گیرد تا بتوان سرویس‌دهی مطلوب ارائه نمود. شایان ذکر است پرسنل ایستگاه‌ها به صورت مستمر شرایط را پایش نموده و در صورت ازدحام مسافر، هماهنگی‌های لازم جهت اعزام قطارهای فوق‌العاده را به‌عمل خواهند آورد.

هادی زند – مدیر ارتباطات و امور بین الملل